

مقدمه

بحث از اجرا اعم از اینکه اجرای سند مطرح باشد یا اجرای حکم دادگاه، نشان دهنده وضع نامطلوب اجتماعی است؛ مثلاً شخصی که حکم دادگاه علیه او صادر و قطعی شده است، اگر خودش این حکم را اجرا کند، نیازی به اجرای اجباری آن نیست؛ بنابراین در اجرا سه عنصر وجود دارد:

- 1- محکوم علیه یا متعهدی که به تعهد خود عمل نمی کند (متعهد گفته شد چون بعضی موارد اجرائیه روی حکم دادگاه نیست و روی سند رسمی لازم الاجرا و از طریق اجرای ثبت است)؛
- 2- حکم یا سند لازم الاجراء؛
- 3- قوه قهریه یا عمومی که برای اجرا دخالت می کند.

اگر افراد با مسائل حقوقی آشنا باشند و اسناد رسمی را به صورت صحیحی منعقد کنند نیازی به طی مراحل دادگاه نیست؛ مثلاً وقتی سند بیع منزل در دفاتر اسناد رسمی منعقد شود و تعهد تخلیه در تاریخ معین گرفته شود و تخلف نشود، لازم الاجرا است و متعهدله می تواند با درخواست اجرای مفاد سند رسمی از طریق دفترخانه تنظیم کننده سند و دوایر اجرای ثبت، منزل را تخلیه کند. هیچ سند عادی قدرت اجرایی ندارد؛ مگر اینکه قانون گذار به آن قدرت اجرایی بدهد.

تعریف سند رسمی

ماده 1287 ق.م - اسنادی که در اداره ثبت اسناد و املاک و یا دفاتر اسناد رسمی یا در نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشند رسمی است.

اسناد لازم الاجراء

سند رسمی که قدرت اجرایی دارد فقط سندی است که در دفاتر اسناد رسمی یا نزد سردفتر ازدواج و طلاق تنظیم می شود. و این اسناد، سند رسمی به معنی اخص است.

علاوه بر این موارد، بعضی از اسناد عادی هم قدرت اجرایی پیدا کرده اند؛ از قبیل:

- 1- چک، که سند عادی است و قانون به آن قدرت اجرایی داده است (م. 14 ق.چ)؛
- 2- اظهارنامه ای که مدیر آپارتمان تنظیم می کند (م. 10 مکرر ق. تملک آپارتمانها)؛
- 3- قراردادهایی که بانکها به موجب قانون بانکداری بدون ربا تنظیم می کنند (م. 15 ق. بانکداری بدون ربا)؛

4- در قانون بیمه اجباری صندوق ماده 10 آمده است که، مثلاً کسی که از تصادف صدمه دیده است و

ضارب فرار کرده است، این صندوق دیه مصدوم را پرداخت می‌کند و جانشین فرد صدمه دیده در مطالبه دیه از ضارب می‌شود و اگر فرد را پیدا کرد علیه او به موجب قانون، اجرائیه می‌کشد.

تبصره 3 ماده 11 قانون بیمه اجباری - اسناد مربوط به مطالبات و پرداخت‌های خسارت صندوق خسارت بدنی در حکم اسناد لازم‌الاجراء است.

شرایط احکام مدنی قابل اجرا

- 1- حکم لازم‌الاجراء باشد؛
- 2- ابلاغ شده باشد؛
- 3- موضوع حکم معین باشد؛
- 4- درخواست اجرا شده باشد.

1. حکم لازم‌الاجراء باشد

حکم لازم‌الاجراء حکمی است که چنانچه محکوم‌علیه به مفاد آن عمل ننماید مأمورین اجرای احکام دادگستری عندالاقضاء و با بکارگیری قوه قهریه از طریق نیروی انتظامی به درخواست محکوم‌له مفاد آن را جبراً به محکوم‌علیه تحمیل می‌نمایند.

حکم لازم‌الاجراء دو مشخصه باید داشته باشد:

الف) قطعی باشد؛

ب) اجرایی باشد.

الف) احکام قطعی

ماده 1 قانون اجرای احکام مدنی - هیچ حکمی از احکام دادگاههای دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر این که قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند صادر شده باشد.

اصل بر این است که اگر رأی قطعی نباشد اجرا نمی‌شود مگر موردی که قانون‌گذار اجازه داده باشد؛ مثل

الف 1- احکام صادره در دعاوی تصرف به حکم ماده 175 قانون آیین دادرسی مدنی^۲ با صدور رأی

^۱ - ماده 330 ق.آ.د.م. - آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور حقوقی قطعی است، مگر در مواردی که طبق قانون قابل درخواست تجدیدنظر باشد.

^۲ - ماده 175 ق.آ.د.م. - در صورتی که رأی صادره مبنی بر رفع تصرف عدوانی یا مزاحمت یا ممانعت از حق باشد، بلافاصله به دستور مرجع صادر کننده، توسط اجرای دادگاه یا ضابطین دادگستری اجرا خواهد شد و در خواست تجدیدنظر مانع اجرا نمی‌باشد. در صورت فسخ رأی در مرحله تجدیدنظر، اقدامات اجرایی به دستور دادگاه اجرا کننده حکم به حالت قبل از اجرا اعاده می‌شود

مبنی بر رفع تصرف عدوانی، رفع مزاحمت ملکی و یا رفع ممانعت از حق بدون اینکه نیازی به قطعی شدن رأی باشد به دستور مرجع صادرکننده، حکم اجرا می‌شود. بدیهی است اگر دادگاه تجدیدنظر حکم را نقض کرد عملیات اجرایی اعاده می‌شود؛

الف 2- احکام ورشکستگی. ماده 417 قانون تجارت مقرر می‌دارد:

حکم ورشکستگی به محض صدور اجرا می‌شود.

آراء قطعی و قابل تجدیدنظر: آراء دادگاه‌های عمومی حقوقی قطعی است و

با سه مؤلفه آراء قابل تجدیدنظر مشخص می‌شود

الف - 1) خواسته یا ارزش آن بیش از سه میلیون ریال باشد؛

الف - 2) احکام غیرمالی؛

الف - 3) حکم راجع به متفرعات دعوی در صورتی که حکم راجع به اصل آن قابل تجدید نظر باشد.

مصادیق احکام قطعی

1- در دعاوی تا مبلغ سه میلیون ریال (اعم از اینکه خواسته وجه رایج باشد یا دعوا تا سه میلیون ریال تقویم شود)؛

2- در دعاوی مستند به اقرار در دادگاه^۲. اقرار به موجب ماده 203 ق.م. زمانی در دادگاه محسوب می‌شود که حین دادخواست یا ضمن مذاکرات جلسه دادگاه یا در یکی از لوائح تقدیمی به دادگاه مطرح شود؛

3- چنانچه طرفین حق تجدیدنظرخواهی را از خود ساقط کرده باشند؛

4- مهلت تجدیدنظر گذشته باشد و تجدیدنظرخواهی مطرح نشده باشد؛

5- آراء صادره از دادگاه تجدیدنظر؛ مگر آنکه حکم دادگاه تجدیدنظر غیابی باشد؛

6- طرفین کتباً نظر کارشناس را قاطع دعوی قرار داده باشند. (نه اینکه به یک کارشناس راضی شده باشند)؛

7- حکم راجع به متفرعات دعوا، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قطعی باشد؛

8- حکم موضوع ماده 120 قانون آیین دادرسی مدنی^۳.

۳- ماده 203 قانون آیین دادرسی مدنی.

۴- ماده 120 ق.آ.د.م. - در صورتی که قرار تأمین اجرا گردد و خواهان به موجب رأی قطعی محکوم به بطلان دعوا شود و یا حقی برای او به اثبات نرسد، خوانده حق دارد ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم قطعی، خسارتی را که از قرار تأمین به او وارد شده است با تسلیم دلایل به دادگاه صادر کننده قرار، مطالبه کند. مطالبه خسارت در این مورد بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می‌گیرد. مفاد تقاضا به طرف ابلاغ می‌شود تا چنانچه دفاعی داشته باشد ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ با دلایل آن را عنوان نماید. دادگاه در وقت فوق العاده به دلایل طرفین رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌نماید. این رأی قطعی است. ...

ب) احکام اجرایی

اجرایی در مقابل اعلامی است. حکم اعلامی مثل حکم به بطلان بیع یا ابطال مبایعه‌نامه عادی. حکمی که پشتوانه عملیات اجرایی داشته باشد اجرایی است.

2. ابلاغ شده باشد

ماده 2 قانون اجرای احکام مدنی - احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که به محکوم‌علیه یا وکیل یا قائم‌مقام قانونی او ابلاغ شده ...

نکته: حکم دادگاه تجدیدنظر هم بعد از ابلاغ، قابل اجرا می‌شود. محکوم‌علیه حق دارد قطعی شدن حکم را بداند؛ چون شاید شخص اگر بداند حکم قطعی شده، خودش حکم را اجرا کند و نیاز به اجرائیه نباشد. ابلاغ هر رأیی وظیفه همان مرجعی است که آن رأی را صادر کرده است.

3- موضوع حکم معین باشد

ماده 3 قانون اجرای احکام مدنی - حکمی که موضوع آن معین نیست قابل اجراء نمی‌باشد.

مثلاً حکم خلعید صادر شده باشد و شماره پلاک منزل مشخص نباشد یا حکم علیه سه نفر صادر شده که مبلغی را بپردازند و مشخص نباشد با چه درصدی باید پرداخت کنند.

4- درخواست اجرا شده باشد

ماده 2 قانون اجرای احکام مدنی - احکام دادگاههای دادگستری وقتی به موقع اجرا گذارده می‌شود که ... و محکوم‌له یا نماینده و یا قائم‌مقام قانونی او کتباً این تقاضا را از دادگاه بنماید.

در احکام مدنی بدون تقاضای ذینفع هیچ اقدام اجرایی صورت نمی‌گیرد؛ مگر احکام صادره در دعاوی تصرف که وفق ماده 175 ق.آ.د.م. بلافاصله از ناحیه دادگاه صادرکننده حکم دستور اجرای آن صادر می‌شود. حکم مدنی تا ابد معتبر است و مرور زمان ندارد و هیچ وقت از اعتبار نمی‌افتد؛ مگر اینکه قانون‌گذار بنا بر مصالحی در موارد خاص مهلت تعیین کرده است.

مواردی که برای اجرای آن مهلت تعیین شده

الف) گواهی عدم امکان سازش طبق ماده واحده قانون تعیین مهلت گواهی عدم امکان سازش مصوب 1376، که سه ماه تعیین شده و بعد از آن امکان اجرایی ندارد؛

ب) در مورد احکام تخلیه، که در قانون موجر و مستأجر 56، مهلت سپردن حق کسب و پیشه برای تخلیه تجاری سه ماه معین شده است و در مورد تخلیه مسکونی 6 ماه مهلت داده شده است و پس از آن حکم

کسانی که می توانند درخواست اجرا داشته باشند

محکوم له، وارث یا وکیل و نماینده قانونی او می توانند درخواست اجرای حکم را داشته باشند. به تصریح ق.آ.د.م.، وکیل در دادرسی، وکیل در اجرا نیست؛ پس اگر وکیل، وکالت در اجرا نداشته باشد باید درخواستش رد شود. همچنین وکیل در اجرا وکیل در دریافت محکوم به نیست.